

کتاب  
دیپلماسی

آنچه پشت دیوار سفارت خانه‌ها جریان دارد

اسناد ایستگاه  
خیابان روزولت

Los Angeles Times

آیا ایران پاسخ اسرائیل را خواهد داد؟

حمله چندموجی اسرائیل علیه مجموعه‌ای از پایگاه‌های نظامی ایران غیرمنتظره نبود. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، از همان لحظه‌ای که تهران در تلاقی ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس و حسن نصرالله، رهبر حزب الله، حدود ۲۰۰ موشک بالستیک به سمت اسرائیل پرتاب کرد، در حال آماده شدن برای پاسخ بود. یوآو گالاتن، وزیر دفاع اسرائیل تأکید کرده بود: «حمله ما مرگبار، دقیق و مهمتر از همه تعجب‌آور خواهد بود. آنها متوجه نمی‌شوند که چه اتفاقی افتاده است. آنها نتایج را خواهند دید.» بنابراین، سوال این نبود که آیا اسرائیل علیه ایران اقدام نظامی خواهد کرد یا نه، بلکه سوال این بود که چه زمانی و چگونه. در نهایت اسرائیل یک عملیات نسبتاً کنترل شده در تاریکی شب اجرا کرد. بر اساس گزارش‌ها، حداقل ۱۰۰ هواپیمای اسرائیلی در این عملیات شرکت کردند که شامل سه بمباران علیه تأسیسات نظامی ایران در حداقل سه استان بود. با وجود این، مقامات ایرانی، اسرائیلی، عرب و ایالات متحده هنوز با سیل سوالاتی روبه‌رو هستند که هیچ‌یک به طور کامل پاسخ داده نشده است. اول از همه، آیا این پایان اختلاف بین اسرائیل و ایران است؟ دولت بایدن قطعاً امیدوار است. ساعاتی پس از پایان حملات اسرائیلی‌ها، یک مقام ارشد دولت آمریکا به این نکته اشاره کرد که از دیدگاه واشنگتن، این باید پایان ماجرا باشد. البته ایالات متحده در ماه آوریل، اولین باری که ایران و اسرائیل با یکدیگر تبادل آتش کردند، عملاً همین را گفت. توقف درگیری شش ماه به طول انجامید و دور دوم در اکتبر برگزار شد. ایالات متحده ممکن است قدرتمندترین کشور روی کره زمین باشد، اما نمی‌تواند دولت‌های منطقه را کنترل کند، چه رسد به اینکه به آنها دیکته کند. به‌ویژه زمانی که یکی از این کشورها، اسرائیل باشد. اسرائیل معتقد است که هرچه بیشتر کمیونش را علیه اعضای شبکه مقاومت ادامه دهد، قدرت بازدارندگی ایران ضعیفتر می‌شود و احتمال اینکه دولت ایران مجبور شود آنچه را که از آن باقی مانده است، حفظ کند، بیشتر می‌شود. بنابراین تا زمانی که جنگ در غزه و لبنان ادامه داشته باشد، اختلافات بیشتر اسرائیل و ایران ممکن است، سوال بعدی این است آیا زمان آن رسیده است که ایالات متحده کمی با دولت نتانیاهو سختگیر رفتار کند؟ برای بسیاری از تحلیلگران منطقه‌ای، دموکرات‌ها و ناظران عمومی، یا توجه به فاجعه انسانی در غزه (و اکنون لبنان) پاسخ کاملاً مثبت است. به‌عنوان مثال، وضعیت در شمال غزه به حدی بدتر شده است که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده و لوید جی آستین، وزیر دفاع، نامه‌ای به هم‌تایان اسرائیلی خود ارسال کردند که در آن پیشنهاد کردند در صورت ارسال نکردن کامیون‌های کمک‌رسانی بیشتر، امکان قطع کمک‌های نظامی ایالات متحده وجود دارد. با این حال، در بیشتر موارد، دولت بایدن به رویکرد در آغوش گرفتن اسرائیل پایبند مانده است در حالی که بایدن به وضوح از استراتژی جنگی و مذاکره نتانیاهو عصبانی است. او بارها انواع اقدامات تنبیهی آشکاری را که می‌تواند نتانیاهو را برای کنار گذاشتن خواسته‌های حداکثری خود تحت فشار قرار دهد، رد کرده است. با این حال، این واقعیت که اسرائیل نزدیک به یک ماه طول کشید تا به حمله موشکی تهران در ۱ اکتبر پاسخ دهد، نشان می‌دهد که برخی گفت‌وگوهای صادقانه اما سخت بین مقامات آمریکایی و اسرائیلی در پشت صحنه رخ داده است. بایدن در همان ابتدا به صراحت اعلام کرد که واشنگتن از حملات اسرائیل به تأسیسات انرژی یا هسته‌ای ایران حمایت نخواهد کرد، اولی به این دلیل که قیمت نفت را در طول سال انتخابات افزایش می‌دهد و دومی به این دلیل که چنین اقدامی می‌تواند ایران را به پیگیری برنامه هسته‌ای تسلیحاتی سوق دهد. نتانیاهو به نادرده گرفتن توصیه‌های واشنگتن در رابطه با جنگ غزه و لبنان عادت کرده است. برای مثال نخست‌وزیر اسرائیل طرح آتش‌بس تحت حمایت ایالات متحده در لبنان را مدت کوتاهی پس از رونمایی آن رد کرد. اما به نظر می‌رسد که او نگرانی‌های بایدن در مورد ایران را جدی گرفته است. زیرساخت‌های نفتی، نیروگاه‌های سانتریفیوژ و تأسیسات تحقیقاتی هسته‌ای از فهرست هدف کنار گذاشته شده‌اند. گفتن اینکه آیا نتانیاهو به دلیل نگرانی در مورد چگونگی واکنش ایرانی‌ها، از تشدید تنش خودداری کرد یا اینکه از ترس واکنش آمریکایی‌ها این کار را کرد، دشوار است. سوم و آخر، آیا ایران پاسخ خواهد داد؟ هفته‌ها قبل، عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران به اسرائیل هشدار داده بود که هرگونه حمله به خاک ایران منجر به تلافی شدیدتر خواهد شد.



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

امروز ماجرای سفارت آمریکا ۴۵ ساله می‌شود. ۴۵ سال قبل گروهی از دانشجویان تصمیم گرفتند در یک حرکت اعتراضی، وارد سفارت آمریکا شوند. علت اعتراض آن‌ها، افشای خبر ورود شاه به آمریکا در جریان درمان سرطان بود. این نخستین بار نبود که سفارت آمریکا مورد حمله قرار می‌گرفت. پیش از آن گروه‌های چپ این اقدام را انجام داده بودند که با برخورد مواجه شدند. اما این بار ماجرا فرق می‌کرد؛ ورود دانشجویان به سفارت آمریکا و گروگان گرفتن دیپلمات‌ها، بحرانی ۴۴۴ روزه را کلید زد که در روابط میان دو کشور طی چهار و نیم دهه گذشته، تأثیر زیادی گذاشت و به روایتی، آغاز شکاف میان دو کشور بود.

در ایام نمایشگاه کتاب امسال کتابی با نام «ایستگاه خیابان روزولت؛ روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران» به بازار عرضه شد. کتابی به قلم محمد محبوبی که موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی آن را عرضه کرده و شامل روایتی روان و محققانه از این رویداد مهم است.



روایت کتاب یکپارچه و جذاب است و مخاطب را با خود همراه می‌کند. ایستگاه خیابان روزولت نامی است که به دقت انتخاب شده. ایستگاه (در ادبیات اطلاعاتی آمریکا به عنوان ایستگاه و در ادبیات روسی زیدانس) آن بخش از سفارت است که توسط دستگاه اطلاعاتی کشور مبدأ در سفارت آن در کشور هدف برپا می‌شود. کارکنان ایستگاه، دیپلمات هستند و نیستند. نویسندگان با هوشمندی، سفارت را ایستگاه می‌نامد و روایت آرمانگرایانه خود را از روی جلد آغاز می‌کند: «آنجا لانه جاسوسی بود و من در این روایت مستند به تو ثابت می‌کنم.»

در تبلیغات و ادبیات سیاسی ایران پس از انقلاب، سفارت آمریکا لانه جاسوسی نامیده می‌شود. علت آن نیز از یک طرف به اسنادی که در جریان این هجوم کشف شد برمی‌گردد، و از سوی دیگر (شاید) به ناآشنا بودن سیاستمداران آن روز به برخی عرف‌ها و قوانین نانوشته نظام بین‌الملل. به طور عمده می‌توانیم اسناد سفارت آمریکا را به دو بخش مربوط به سازمان سیا و وزارت خارجه تقسیم‌بندی کنیم. مجموع آنچه از سفارت خارج شد، چیزی نبود که بتوانیم بر اساس آموزه‌های اطلاعاتی و سیاسی آن‌ها را عجیب بخوانیم. همین امروز، «تمام» سفارتخانه‌ها و کنسول‌گری‌های جهان چیزی کم از سفارت آمریکا در تهران، در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ندارند.

❖ **خالی از درک «جنگ خاموش»**  
کتاب بر اساس یک فرضیه شکل نگرفته و با مفروض جلوب می‌رود. زمانی فرضیه داشته باشیم، دنبال راستی آزمایی آن هستیم و اینکه ببینیم درست است یا نه. در نهایت کار و با استفاده از روش‌ها، مشخص می‌شود که فرضیه چه وضعیتی دارد. اما داشتن مفروض یعنی ما معتقدیم آنچه قرار است تحقیق درباره‌اش اتفاق بیفتد، درست است و به دنبال راستی‌آزمایی آن نیستیم. در چنین شرایطی یک دکمه داریم که باید برای آن کت بدوزیم. به همین دلیل، کتاب از ابتدا به دنبال این است که به مخاطب بگوید اینجا لانه جاسوسی بوده و من برایش مستنداتی دارم. نکته جالب توجه این است که این کتاب با همین روایت یکپارچه و جذاب اگر نگاه جامع‌تری به سوزه می‌کرد و پژوهشی کار را پیش می‌برد، می‌توانست محصولی بهتر باشد.

به‌رغم این که پروژه در موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی انجام شده و محل انجام نیز انتظار مخاطب را بالا می‌برد، اما نشانی از درک طبیعت دنیای اطلاعات در کتاب وجود ندارد. جنگ میان سرویس‌های اطلاعاتی احتمالاً تنها جنگ به هم پیوسته‌ای باشد که طی سال‌ها هیچ وقت پایان نیافته است. ابرام شولسکی پژوهشگر و مقام اطلاعاتی پیشین آمریکا این جنگ را «جنگ خاموش» می‌نامد و در کتابی با همین نام به تشریح دنیای اطلاعات می‌پردازد.

مختلفی از مردم آمریکا باقی ماند. به همین دلیل است که آن را بحران گروگانگیری یا Hostages Crisis می‌نامند.»

استاد دانشگاه جرج تاون در باره تأثیر این رویداد بر روابط دو کشور، خاطرنشان کرد: «این یک شکاف عمیقی بود که نه تنها هیچ‌وقت ترمیم نشد، بلکه عمق پیدا کرد. ما بعدها براساس تحقیق‌ها و صحبت‌هایی که افرادی مثل آقای [عباس] عبدی مطرح کردند، متوجه شدیم هیچ وقت قرار نبود این گروگان‌گیری بیش از دو یا سه روز ادامه پیدا کند و به خاطر جایگزینی و استحکام دولت نوپای جمهوری اسلامی ادامه پیدا کرد. بحران گروگان‌گیری، نقطه شروع است. باید در نظر گرفت که برای ایران احترام خیلی مهم است. سیاستمداران ایران همیشه می‌گویند که آمریکا باید به ما احترام بگذارد. هیچ‌وقت هم عذرخواهی از این بابت از سوی ایران انجام نشد.»

کامروا اضافه کرد: «احترام برای آمریکا هم بسیار مهم است. برایشان مهم است که برای این اقدام، عذرخواهی صورت بگیرد و این کشور بگوید این اقدامی که خلاف قوانین



مهران کامروا استاد دانشگاه جرج تاون:

## آمریکایی‌ها هیچ‌وقت ماجرای سفارت را فراموش نکردند

مهران کامروا، استاد علوم سیاسی ایرانی-آمریکایی است که حدود پنج دهه قبل به آمریکا مهاجرت کرد. کامروا از چند سال قبل به کشور قطر آمد و در شعبه دانشگاه جرج تاون در این کشور مشغول به کار شد. گفت‌وگو با او از دو جهت انجام شد؛ اول اینکه او یک ایرانی مهاجر است و سال‌ها مشکل میان کشوری که در آن متولد شد و چند سالی زندگی کرد با کشوری که امروز شهروند آن نیز هست را به چشم دیده و از سوی دیگر، استاد علوم سیاسی است که نگاهی علمی به این مسئله دارد.

کامروا درباره اینکه چرا در ادبیات سیاسی آمریکا، این رویداد را نه حمله به سفارت بلکه بحران گروگانگیری می‌نامند، به خبرنگار هم‌میهن گفت: «آنچه چهار نوامبر ۱۹۷۹ رخ داد و ۴۴۴ روز به طول انجامید، یکی از اولین بارهایی بود که آمریکا بعد از جنگ ویتنام قدرت اقدام و هیچ توانی برای آزادی گروگان‌های خود نداشت. این مسئله

یک بحران جدی بود. یک حمله عادی نبود که در جریان آن ساختمان سفارت آسیب ببیند و بعد تمام شود. دیپلمات‌های آمریکایی ۴۴۴ روز گروگان بودند و دولت آمریکا برای آزادی آن‌ها نه راه حل نظامی داشت و نه راه حل‌های دیپلماتیک. عمق خصومت ایران و آمریکا از این نقطه آغاز شد. تصویر چهره یکی از گروگان‌های آمریکایی که با چشم بسته توسط یکی از دانشجویان جابه‌جا می‌شد، در ذهن یک نسل از آمریکایی‌ها حک شد. فرقی نمی‌کند آن‌ها نخبگان سیاسی، سیاستمداران، چهره‌های آکادمیک بودند یا دیگر مردم. آن تصویر در ذهن افشار

ناصر رضوی کارشناس ارشد امنیتی:

## ماموریت ایستگاه به نیاز سازمان بستگی دارد

مختلف پوششی، فعالیت‌های اطلاعاتی را دنبال می‌کنند. اعضای ایستگاه به سفیر گزارش کار نمی‌دهند و قسمتی از سفارت را در اختیار دارند. اما روال اعزام به ترتیبی است که با سایر کارمندان و دیپلمات‌ها همخوانی دارد. ایستگاه، دستگاه فرستنده و گیرنده (رمز و تلکس) مخصوص و مستقل از سفارت دارد. رضوی افزود: «کارکرد ایستگاه، فعالیت‌های مخفی و جاسوسی متناسب با نیاز مرکز و طبعاً در هر کشور متفاوت است. استخدام و به‌کارگیری منابع در مراکز حساس و کلیدی کشور هدف از جمله فعالیت مشترک تمام ایستگاه‌هاست. گاهی کسب اطلاعات علمی و تکنولوژیک هدف است و گاهی اطلاعات نظامی کشور هدف یا راه‌اندازی جریان‌های سیاسی و حامی برای کشور اعزام‌کننده نیرو در دستور کار

بخشی در اماکن دیپلماتیک به هم‌میهن گفت: «ایستگاه به مجموعه‌ای از افراد اطلاعاتی مستقر در سفارت‌خانه‌های یک کشور می‌گویند که تحت پوشش‌های دیپلماتیک فعالیت می‌کنند. به تناسب کشور هدف و نیاز دستگاه اطلاعاتی، یک نفر مسئول ایستگاه است و چند نفر با رده‌های

ناصر رضوی از مدیران و کارشناسان سابقه‌دار دستگاه امنیتی کشور است که بیشتر به خاطر فعالیت در حوزه مبارزه با سازمان‌های مجاهدین خلق شناخته می‌شود. رضوی سابقه خدمت در ایستگاه اطلاعاتی مرتبط با حوزه تخصصی خود را دارد. او درباره ماهیت و فلسفه وجودی چنین